

## The Evolution of State of Emergency in Canadian Legal System

Tavakkol Habib Zadeh<sup>1</sup>  
Mohammad Meysam Naddafpour<sup>2</sup>

State of emergency is one of the inevitable realities of any political system. The how governments confront with state of emergency and legal framework of this confrontation is an important challenge in Public Law in different countries. Although Iran is subject to natural and abnormal crises, it has no coherent laws in its legal system and Article 79 of the constitution of Iran stipulating the state of emergency is abandoned. This article examines how one of the modern legal systems, especially Canada, confronts with state of emergency as a preliminary studies to predict desirable legal status of that confrontation in Iran. So it is answered in this article that how Canadian government confronts with annoying issues disrupting security, and how legal system of Canada recognize the State of Emergency. This study expresses Canadian emergency regime by a descriptive-analytical view in the historical context. According to a preliminary study of some laws of the Canadian Parliament, it was assumed that in emergencies, Canada would also by enacting and enforcing a parliamentary law declare a state of emergency with a variety of emergencies over a given period of time with limited powers of government. But the study of historical behavior of Canadian government has shown that the conditions in our hypothesis are in the laws, but not in practice; and other mechanisms such as the suspension of a part of "the Canadian Charter of Rights and Freedoms" and in particular the enacting of "anti-terrorism legislation" have been enforced federally in the post-9/11 period.

**Keywords:** State of Emergency, State of Exception, Canada, Anti-Terrorism Legislation, Suspension of rights and freedoms, post-9/11 period, Terrorism.

---

<sup>1</sup> Associate Professor, Faculty of Public Law, Imam Sadegh University

<sup>2</sup> PhD student of Public Law (Corresponding Author)    mmnpa313@gmail.com

## سیر تحول وضعیت اضطراری در نظام حقوقی کانادا

توکل حبیب‌زاده\*  
محمد میثم نداف‌پور\*\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۸/۱۶

### چکیده

وضعیت اضطراری یکی از واقعیت‌های غیر قابل اجتناب هر نظام سیاسی است. نحوه مواجهه دولت‌ها و چارچوب حقوقی این مواجهه، یکی از مسائل مهم حقوق عمومی در کشورهای مختلف است. علی‌رغم اینکه ایران در معرض بحران‌های طبیعی و غیرطبیعی است، اما در نظام حقوقی خود، قوانین منسجمی ندارد و عملاً اصل (۷۹) قانون اساسی که به شرایط اضطراری تصریح می‌کند، متروک است. در این تحقیق نحوه مواجهه یکی از نظام‌های حقوقی مدرن خصوصاً کانادا به عنوان پیشرو مطالعات در خصوص پیش‌بینی وضعیت حقوقی مطلوب مقابله با شرایط اضطراری در ایران بررسی شده است. به همین جهت در این تحقیق، به این سوال پاسخ داده شده است که کشور کانادا از حیث حقوقی چگونه با عوامل ایذایی محل امنیت مقابله می‌کند و نظام حقوقی کانادا، وضعیت اضطراری را چگونه شناسایی کرده است. در این تحقیق سعی شده است که رژیم اضطراری کانادا با یک بیان توصیفی-تحلیلی در بستر تاریخی بیان شود. بنا بر مطالعه اولیه برخی قوانین پارلمان کانادا، فرض بر این بود که در شرایط اضطراری، کانادا هم با تدوین یک قانون پارلمانی و اجرای آن، یک وضعیت اضطراری با تنوعی بیشتر از اقسام وضعیت اضطراری در یک مدت معین با اختیارات محدود دولت اعلام و اعمال می‌کند. اما مطالعه رفتار تاریخی دولت کانادا نشان داد که شرایطی که در فرضیه ما بود، در قوانین وجود دارد، اما بدان عمل نمی‌شود و ساز و کارهای دیگری مثل تعلیق بخشی از منشور کانادایی حقوق و آزادی‌ها و خصوصاً استفاده از «قانون‌گذاری ضد تروریسم» در دوران پس از (۱۱) سپتامبر در سطح ملی مورد استفاده قرار گرفته است.

**واژگان کلیدی:** وضعیت اضطراری، وضعیت استثنایی، کانادا، قانون‌گذاری ضد تروریسم، تعلیق حقوق و آزادی‌ها، پس از یازده سپتامبر، تروریسم.

\* دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه امام صادق (ع)

### مقدمه

یکی از مسائل هر نظام سیاسی، مواجهه با تهدیدات و خطراتی مثل جنگ، شورش و آشوب است که حیات جامعه بشری را تهدید می‌کند و مسئولیت ویژه دولت در تأمین امنیت دچار اختلال می‌شود. امروزه وضعیت اضطراری به عنوان یک مفهوم مدرن و ذاتاً حقوقی برای شرایط غیرعادی در جوامع سیاسی شناسایی شده است که در آن، به دلیل از بین رفتن امنیت به عنوان نخستین نیاز بشری، دولت موظف است که به صورت حداکثری مداخله کند و شرایط را به وضعیت عادی برگرداند تا شهروندان بتوانند مثل گذشته از حقوق و آزادی‌های خود به صورت حداکثری استفاده کنند. لذا در این شرایط به صورت موقت و متناسب، افسار از اسب خیره‌سر دولت با قدرتی کنترل‌نشده باز می‌شود تا با شتاب و قدرت بر موانع فائق آید. طبعاً یکی از اثرات این وضعیت، نقض بخش وسیعی از حقوق شهروندان خواهد بود. به همین دلیل نظام‌های حقوقی به دنبال راهی بودند تا ضمن برداشتن موانع قانونی برای توسعه اختیارات مقام اضطرار، حقوق بشر و شهروندی افراد به حداقل ممکن نقض شود.

اگرچه در شرایط اضطراری از تمرکز قدرت سخن به عمل می‌آید، اما به هر حال سعی می‌شود که نظارت و کنترل در دوران اضطرار نیز ادامه یابد و نقض حقوق شهروندان به حداقل برسد. اسناد حقوقی مختلف داخلی و بین‌المللی در مورد تعریف، انواع و تشریفات حقوقی وضعیت اضطراری مقررات‌گذاری کرده‌اند. به عنوان مثال ماده (۴) میثاق حقوق مدنی، سیاسی بیان می‌دارد: «۱- هر گاه یک خطر عمومی استثنایی (فوق‌العاده) موجودیت ملت را تهدید کند و این خطر رسماً اعلام بشود، کشورهای طرف این میثاق می‌توانند تدابیری خارج از الزامات مقرر در این میثاق به میزانی که وضعیت حتماً ایجاب می‌نماید، اتخاذ نمایند؛ مشروط بر این که تدابیر مزبور با سایر الزاماتی که بر طبق حقوق بین‌الملل به عهده دارند، مغایرت نداشته باشد و منجر به تبعیضی منحصرراً براساس نژاد، رنگ، جنس، زبان، اصل و منشأ مذهبی یا اجتماعی نشود.

۲. حکم مذکور در بند فوق هیچ‌گونه انحراف از مواد ۶، ۷ (بندهای اول و دوم)

ماده ۸، ۱۱، ۱۵، ۱۶ و ۱۸ را تجویز نمی‌کند.

۳. دولت‌های طرف این میثاق که از حق انحراف استفاده کنند، مکلفند بلافاصله سایر دولت‌های طرف میثاق را توسط دبیر کل ملل متحد از مقرراتی که از آن انحراف ورزیده و جهاتی که موجب انحراف شده است، مطلع نمایند و در تاریخی که به این انحراف‌ها خاتمه می‌دهند، مراتب را به وسیله اعلامیه جدیدی از همان مجری اطلاع دهند.» مقررات وضعیت اضطراری در سطح داخلی متناسب با اقتضائات موجود در هر نظام سیاسی، متفاوت است. بسیاری کشورها وضعیت اضطراری و احکام حاکم بر آن را اساسی‌سازی کرده‌اند.

لفظ شرایط اضطراری در اصل (۷۹) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است. اما در قوانین عادی و پایین‌دستی، کمتر به این موضوع پرداخته شده است و به طور عملی هم تا به حال به این وضعیت استناد نشده است و ساز و کار موجود در شورای عالی امنیت ملی و شورای امنیت کشور تا به حال، نقش حافظ و مدیر امنیت عمومی را ایفا کرده است. در حالی که در نظام‌های حقوقی دیگر کشورهای دنیا، رژیم اضطراری خاصی پیش‌بینی شده است و اسناد بین‌المللی حقوق بشر همچون میثاق حقوق مدنی - سیاسی در مورد گستره محدودیت حقوق شهروندان، الزاماتی را بیان کرده است. اندیشه اضطرار و وضعیت استثنایی در سطح حقوق عمومی و فلسفه علوم سیاسی مفصلاً میان اندیشمندان دوره معاصر خصوصاً در ابتدای قرن بیست توسط کارل اشمیت و در اواخر این سده توسط جرج آگامبن بحث شده است. به نظر می‌رسد که نظام حقوقی ایران از این مباحث فاصله دارد. البته ریشه‌های فقهی مسئله در اصولی چون مصلحت، قاعده حفظ نظام و امثال آن مطرح می‌شود؛ اما به واقع، در نظام حقوقی کمتر عینیت یافته است. البته تشکیل نهادهایی چون مجمع تشخیص مصلحت نظام یا صلاحیت‌های فراقانون اساسی رهبری تا حدی با کلیات اندیشه اضطرار هم‌خوانی دارد؛ اما کیفیت برخورد و واکنش به عوامل ایذایی امنیت کشور که با اصل حاکمیت قانون تناسب داشته باشد، کمتر مورد بحث قرار گرفته است و از ظرفیت‌های فقهی، تاریخ اسلام و حتی اندیشه‌های بشری در مغرب‌زمین کمتر مورد استفاده قرار گرفته است.

به همین دلیل مطالعه وضعیت اضطراری در دیگر کشورها و تجربه کشورهای مهمی که خصوصاً در حوادث پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ درگیر این موضوع شده‌اند، قابل بهره‌برداری برای کشور خودمان نیز هست. آنچه که در این تحقیق بررسی می‌شود،

صرفاً یک بیان توصیفی - تحلیلی از شناسایی و کیفیت وضعیت اضطراری در دوره‌های تاریخی کشور کانادا و نحوه مواجهه عملی آنها است. این مطالعه موردی کمک می‌کند که عینیت-یافته اندیشه مدرن در مورد وضعیت اضطراری در نظام حقوقی یک کشور الگو مانند کانادا شناخته شود و به توسعه نظام حقوقی ایران در خصوص برخورد با آشوب‌های داخلی و منحل امنیت کمک کند.

علت آنکه کانادا برای مطالعه تطبیقی برگزیده شد، این است که کشور کانادا در سطح هنجاری دستاوردهای قابل استفاده‌ای در موضوع وضعیت اضطراری داشته است. زیرا اولاً نظام حقوقی کانادا از جمله نظام های حقوقی تابع نظام انگلوساکسون است که در نظام‌سازی پیشگام بوده‌اند و البته نسبت به نظام حقوقی کشور بریتانیا سازمان‌یافته‌تر بوده و به علت وجود ایالت کبک که از نظام رومی ژرمنی نیز تبعیت می‌کند، این نظام عرفی را تحت تأثیر قرار داده است و از قوانین موضوعه مرتبط بهره برده است. دلیل دوم برای انتخاب این کشور، مترقی بودن نظام حقوقی آن در موضوع مورد مطالعه است که سابقه تقنینی و اجرایی طولانی داشته است. دو قانون مهم در سال های ۱۹۱۴ و ۱۹۸۵ در این خصوص تصویب شده است و به جز دو جنگ جهانی و بحران اکتبر، کانادا پس از حوادث ۱۱ سپتامبر نیز هدف تروریسم و بسیاری از ناامنی‌ها هم توسط طالبان و هم در سال‌های اخیر توسط داعش شده است. کانادا غیر از قوانین مذکور، قوانین متعدد دیگری دارد و تجربه خوبی در عرصه تقنین و حتی اجرا در مقابله با وضعیت اضطراری پس از استقلال خود داشته است. چه بسا مطالعه رژیم اضطراری کانادا به جهت اشتراک دو کشور کانادا و ایران از این حیث که در برهه‌های زمانی مختلف، درگیر ناامنی بوده است، بتواند دستاورد مناسبی برای نظام حقوقی ما داشته باشد.

به نظر می‌رسد که کانادا سه دوره تاریخی جداگانه را پشت سر گذاشته است و ساختار مقاله نیز با توجه به این سه مرحله طراحی شده است. این سه دوره تاریخی پس از استقلال کانادا ابتدا با جنگ‌های جهانی و تصویب «قانون اقدامات جنگی» آغاز می‌شود. سپس با شکل‌گیری بحران اکتبر در سال ۱۹۷۰، زمینه‌های تصویب منشور کانادایی حقوق و آزادی‌ها و تصویب قانون اضطرارها مهیا می‌شود و دوره دوم را تشکیل می‌دهد. نهایتاً در دوره سوم حوادث ۱۱ سپتامبر و بحران‌های امنیتی بین‌المللی

و منطقه‌ای کانادا موجب می‌شود که وضعیت حقوقی جدیدی در کانادا شکل بگیرد که تا به امروز ادامه دارد.

### ۱- وضعیت استثنایی جنگ تا تصویب منشور کانادایی حقوق و آزادی‌ها

اندیشمندان حوزه حقوق عمومی معتقدند که در کانادا ریشه مباحث دکترین اضطراری در صدر ماده (۹۱) قانون آمریکای شمالی بریتانیایی (BNA) مصوب ۱۸۶۷ میلادی (۱) یا قانون اساسی کانادا است (Gross and Ni Aloain, 2006: 43; Marx, 1970: 57) که در آن «ملکه با مشورت و موافقت سنا و مجلس نمایندگان حق دارد تا برای صلح، نظم و حاکمیت خوب (۲) در کانادا قانونگذاری کند.» به واقع، این ماده همان حوزه صلاحیت قانونگذاری پارلمان فدرال را [در مقابل پارلمان‌های ایالتی] بیان می‌کند که شامل صلح، نظم و حاکمیت خوب می‌شود. در مورد اعتبار قانونگذاری درباره وضعیت اضطراری توسط پارلمان فدرال کانادا، این سوال همیشه مطرح بود که آیا قانونگذاری دولت فدرال در شرایط جنگ و اضطراری یک عمل معتبر و در راستای صلاحیت موجود در ماده (۹۱) و ادامه آن است یا اینکه شرط و استثنایی بر قانون اساسی و مواد (۹۱) و (۹۲) قانون اساسی است. (Marx, 1970: ۵۶, ۵۷). تخم اولیه دکترین اضطرار در کانادا در پرونده راسل در برابر ملکه (۳) کاشته شد. در جایی که پارلمان فدرال کانادا قانون منع فروش مشروبات الکلی را تصویب کرد و راسل که به موجب آن محکوم شده بود، به جای فرجام‌خواهی در دادگاه کیفری، صلاحیت پارلمان فدرال را برای تصویب چنین قوانینی مورد اعتراض قرار داد و مدعی شد که صلاحیت تعیین چنین محدودیتی با قوای محلی است. اما شورای خصوصی ملکه (۴) با این استدلال و فرض که در حال حاضر، ملت کانادا همگی میخواره هستند، اعلام کرد که از پارلمان فدرال کانادا خواسته شده است که با دخالت در استان های کانادا در مقابل این فاجعه از مردم حمایت کند. هر چند که این نظر در آن زمان به یک موضوع کم‌دی تبدیل شده بود، اما چهل سال پس از این پرونده مجدداً با یک نگاه به گذشته مورد توجه قرار گرفت. (Marx, 1970: ۵۷-۵۸) اگر چه دعوی راسل علیه دولت منطقی به نظر می‌رسید و صلاحیت دولت فدرال جنبه استثنایی داشت، اما

وضعیت بحرانی مردم کانادا در مصرف مشروبات الکلی موجب شد که آن قانون به صورت شکلی رعایت نشود و نهایتاً رأی علیه راسل صادر شد.

سیر تحول شناسایی وضعیت اضطراری در کانادا نشان می‌دهد که ریشه اولین شناسایی آن به واسطه تداوم قدرت دولت پس از شرایط جنگ بوده و این اختیارات فراعادی به دوره پس از جنگ هم در داخل، توسعه پیدا کرده بود. به همین دلیل برای اولین بار، پارلمان فدرال کانادا برای فائق آمدن بر مشکلات جنگ جهانی در اوت سال ۱۹۱۴، «قانون اقدامات جنگی» را ذیل اختیاری که به دولت فدرال به وسیله تفصیل ماده (۹۱) BNA داده شده بود، تصویب کرد. طبق این قانون تعداد زیادی دستور شورایی (۵) در طول جنگ جهانی اول تا زمانی که اعلام صلح شود، تصویب شده بود. در این دوره، چندین بحران از جمله در خلال دو جنگ جهانی، یک بار در بین سال‌های ۱۹۱۴ تا ۱۹۲۰ در مورد تهدید کمونیست‌ها (کانادایی‌های اوکراینی) و همچنین پایان جنگ با آلمان بود که آثار زیانباری را برای مردم کانادا داشت و منجر به مهاجرت ۱۲۰ هزار نفر از ساکنین کانادا و زندگی چادرنشینی عده دیگری شد. (Lindsay, ۲۰۱۴, ۱۶۲) قانون اقدامات جنگی در سال ۱۹۳۹ تجدید شد. این قانون که در زمان هجوم کانادایی‌های ژاپنی مورد استناد قرار گرفت، آثار زیان‌بار کمتری نسبت به جنگ جهانی اول نداشت. پس از آن سه قانون دیگر در زمان‌های متناوبی تحت عناوین «قانون اختیارات اضطراری انتقالی ملی»، «قانون نظام‌نامه اقدامات انتقالی» و «قانون اختیارات اضطراری» تصویب شد که هر کدام بدون استناد به قانون اقدامات جنگی اختیارات محدودی به دولت فدرال می‌داد. (Niemczack and Rosen, ۲۰۰۱)

پس از جنگ‌های جهانی و آغاز دوران جنگ سرد و با اعلام قانونی خاتمه آن توسط قوه مجریه، اقدامات جنگی دولت کانادا پایان یافت؛ اما افکار و رفتارهای زمان جنگ از سوی مقامات حکومتی تمام نشده بود و حکومت نیاز می‌دید که برای تثبیت صلح، کنترل قدرت مرکزی بیشتر شود. این باعث شد که به تدریج پس از جنگ جهانی، تغییراتی در رویکرد به وضعیت جنگی ایجاد شود و یک وضعیت خفیف‌تر جایگزین وضعیت جنگی شود. بنابراین در اصلاحاتی که بر این قانون انجام شد، بر خاتمه یافتن اعتبار قانون اقدامات جنگی اشاره شد. به واقع، می‌توان تصویب موقتی بودن دوران گذار از جنگ به دوران عادی و صلح را زمان تولد وضعیت اضطراری در

کانادا دانست. ( Marx, ۱۹۷۰, ۶۲) قواعد موجود در قانون اقدامات جنگی مناسب شرایط جنگ بود و چالش اصلی در دکترین اضطرار در دوره جنگ و پس از آن، این بود که چه زمانی وضعیت اضطراری به پایان می‌رسد و شرایط صلح بازمی‌گردد. بر همین اساس در سال ۱۹۶۰ قانون اقدامات جنگی توسط منشور حقوق کانادایی اصلاح شد که ضمن آن هم بسیاری حقوق مذکور در منشور غیرقابل تعلیق و نقض شد و همچنین شرایط اعلام آن در مقابل پارلمان و پس از بررسی آن توسط هر دو مجلس عوام و سنا فراهم آمد. ( Niemczack and Rosen, ۲۰۰۱)

بار سومی که قانون اقدامات جنگی مورد استناد قرار گرفت، در بحران اکتبر مربوط به سال ۱۹۷۰ در مورد ربایش دیپلمات انگلیسی و وزیر استان کبک توسط «جبهه آزادی کبک (FLQ)» جهت استقلال این ایالت و آزادی هم‌حزبی خودشان بود که وضعیت جنگ توسط دولت اعلام می‌گردد و در آن تعداد زیادی از متهمان را بدون درنگ زندانی می‌کردند. ( Gross, ۲۰۱۱, ۳۳۷) به واقع، جرایم جبهه آزادی کبک در بمب‌گذاری و کشتار، دولت فدرال کانادا را مجبور ساخت تا منشور حقوق کانادا را تعلیق کند و بار دیگر به قانون اقدامات جنگی استناد دهد.

پس از بحران اکتبر، یک گروه تحقیقاتی با هدایت یکی از ژنرال‌های کانادایی گزارشی تهیه کرد که در آن لزوم تغییر رویکرد به وضعیت اضطراری داخلی در مدیریت و قانون‌گذاری اشاره شده بود. ( Lindsay, ۲۰۱۴, ۱۶۴) از اینجا بود که پارلمان فدرال به فکر یک قانون جامع مخصوص شرایط اضطراری می‌افتد که میان وضعیت اضطراری با شرایط جنگ تمایز وجود داشته باشد. در سال ۱۹۸۱ دولت فدرال، دستور برنامه‌ریزی اضطراری را تصویب می‌کند که در آن برای اولین بار، میان انواع مختلف وضعیت اضطراری تفکیک قائل شده بود. ( Niemczack and Rosen, ۲۰۰۱)

## ۲- تولد وضعیت اضطراری؛ تصویب منشور کانادایی حقوق و آزادی‌ها تا

سپتامبر ۲۰۰۱

بحران اکتبر و اقدامات قاهرانه دولت موجب شد که منتقدان، فضای کشور را به سمت تغییراتی در قانون اساسی ببرند تا حقوق مردم کانادا کمتر مورد نقض قرار گیرد.



چرا که بحران‌هایی مشابه بحران اکتبر ۱۹۷۰ وضعیتی به مراتب خفیف‌تر از وضعیت جنگ داشت و اقدامات پیش‌بینی‌شده در قانون «اقدامات جنگی» متناسب با بحران‌های داخلی نبود. نهایتاً منشور کانادایی حقوق و آزادی‌ها در سال ۱۹۸۲ به مجموعه قانون اساسی کانادا (۶) اضافه شد و اعتبار اساسی پیدا کرد.

در مجموعه «قانون اساسی کانادا» ذکر خاصی از وضعیت اضطراری به میان نیامده است. اما در دو جا، احکامی مرتبط در این باره وجود دارد که نشان می‌دهد که منشأ رسمیت این وضعیت، اساسی است. در بند دوم ماده (۴) قانون اساسی سال ۱۹۸۲ موسوم به منشور کانادایی حقوق و آزادی‌ها، (۷) تشکیل پارلمان فدرال را در هنگام جنگ، تهاجم یا شورش واقعی یا قابل پیش‌بینی بیان می‌کند. (قانون اساسی کانادا، ۱۳۹۱: ۱۲۳) همچنین ماده (۳۳) این منشور در مورد تعلیق حقوق و آزادی‌های برخی مواد این قانون است که مرتبط با حقوق و آزادی‌ها است. این ماده که معروف به «شرط تعلیق» (۸) است، اختیار پارلمان فدرال یا استان (۹) را در اعلام وضعیتی قانونی یا موردی بیان می‌کند که در آن برخی حقوق تعلیق می‌شوند. این ماده بدون آوردن نامی از وضعیت اضطراری یا استثنایی قواعد دیگر معمول در وضعیت اضطراری مانند موقتی بودن پنج‌ساله یا امکان تمدید را بیان می‌کند. (۱۰)

از طرفی دیگر، اجرای قانون اقدامات جنگی و اعتبار آن همزمان با تصویب منشور کانادایی حقوق و آزادی‌ها طبعاً موجب برخی تعارضات میان منشور و قانون اقدامات جنگی می‌شود. همین موضوع موجب می‌شود که پارلمان کانادا دست به تصویب قانون دیگری بزند. (Scheppele, ۲۰۰۶, ۲۳۰) این قانون، «قانون اضطرارها» یا «اقدامات اضطراری» (۱۱) مصوب سال ۱۹۸۵ است که میان انواع وضعیت‌های اضطراری قائل به تفکیک شد. این قانون که جایگزین قانون اقدامات جنگی مصوب ۱۹۱۴ می‌شود، یک قانون جامع و مفصل در مورد وضعیت اضطراری در کشور کانادا در سطح ملی است. این قانون مشتمل بر (۶۳) ماده می‌باشد که در سال ۲۰۰۳ آخرین اصلاحات خود را انجام داده است.

طبق ماده (۳) قانون اقدامات اضطراری کانادا، اضطرار ملی یک شرایط فوری و بحرانی موقتی با دو شرط است: نخست، حیات، سلامت یا امنیت مردم کانادا را به طور جدی به خطر می‌اندازد و دوم اینکه توانایی دولت برای حفظ حاکمیت، امنیت و

تمامیت ارضی را تهدید کند. اگر هیچ یک از دیگر قوانین کانادا تکافوی مقابله دولت با بحران را ندهد، این قانون مجری می‌شود. این قانون، می‌تواند در سطح ملی، استانی یا منطقه‌ای اعلام شود. (۱۲)

این قانون به دولت فدرال صلاحیت اعلام چهار نوع از انواع اضطرار را داده است:

- ۱- وضعیت اضطراری سلامت عمومی (۱۳) که در شرایط فجایع ملی در امر سلامت اعلام می‌شود. (موضوع مواد ۵ تا ۱۵ قانون)
  - ۲- وضعیت اضطراری نظم عمومی (۱۴) که در خطرات جدی علیه امنیت کانادا اعلام می‌گردد. (موضوع مواد ۱۶ تا ۲۶ قانون)
  - ۳- وضعیت اضطراری بین‌المللی (۱۵) که شامل شرایطی می‌شود که اعمال ارباب آور متوجه کانادا یا کشورهای دیگر می‌شود. (موضوع مواد ۲۷ تا ۳۶ قانون)
  - ۴- شرایط جنگ (۱۶) که در موارد تقابل نظامی واقعی و قریب‌الوقوع با کل کانادا یا بخشی از آن انجام شود. (موضوع مواد ۳۷ تا ۴۵ قانون)
- «اضطرار نظم عمومی» به عنوان نزدیک‌ترین نوع اضطرار به موضوع تحقیق، در ماده (۱۶) این‌گونه تعریف شده است: «اضطرار نظم عمومی به معنای یک اضطراری است که از تهدیدات علیه امنیت کانادا ناشی می‌شود و آن را به یک بحران ملی تبدیل می‌کند.»
- ماده (۲) قانون سرویس اطلاعات امنیتی کانادایی مصوب سال ۱۹۸۴، تهدیدات علیه امنیت ملی کانادا را در چهار بند و مصداق عنوان کرده است که در قانون اضطرار نیز به این ماده قانونی ارجاع داده شده است:
- «- جاسوسی و خرابکاری که علیه کانادا یا منافع ملی است و یا اقداماتی که به سمت و حمایت از این جاسوسی و خرابکاری باشد.
- فعالیت‌های مؤثر خارجی داخل یا مربوط به کانادا که علیه منافع کانادا می‌باشد که شامل اعمال زیرزمینی، فریب یا شامل هر گونه تهدید علیه شخصی شود.
- فعالیت‌های مرتبط با کانادا که در حمایت از تهدید یا استفاده از اعمال تجاوز علیه افراد یا مالکیت با هدف کسب یک غرض سیاسی، دینی یا ایدئولوژیکی داخل کانادا یا یک کشور خارجی باشد.

- فعالیت‌های مخرب توسط اعمال پنهانی غیرقانونی که منجر به خرابکاری یا براندازی توسط تجاوز به نظام اساسی ایجاد شده دولت کانادا شود.»  
در نظام حقوقی کانادا موارد بالا «معمولا به نام بخش‌های جاسوسی، نفوذ خارجی، تروریسم و براندازی شناخته شده‌اند.» (گیل، ۱۳۸۰، ص ۱۳۱) قانون دیگری که در زمینه اضطراب قابل مطالعه است، قانون پلیس سلطنتی کانادا است که چارچوب نحوه برخورد پلیس کانادا (RCMP) را بیان کرده است که ضوابط میدانی مقابله پلیس را شرح می‌دهد.

در کانادا، مفهومی به نام «فرماندار در شورا» (۱۷) مأمور انجام اقدامات اضطراب است. (۱۸) این ساز و کار که به تناوب در قانون اضطرابها دیده می‌شود، نوعی تصمیم کلی در قوه مجریه است. تصمیمات «فرماندار در شورا» به عمل فرماندار کل اطلاق می‌شود که با مشورت شورای خصوصی سلطنت در سطح ملی و یا با شورای اجرایی در استان‌های کانادا انجام می‌گیرد. به عبارتی دقیق‌تر، این ساز و کار عبارت است از تصمیمات کابینه دولت کانادا که با نظر فرماندار کل، قانونی می‌شود. (Governor in Council Appointments, ۲۰۱۷, ۴, ۲۸) (۱۹) بنابراین ساز و کار نهاد فوق‌العاده در کانادا از طریق مفهوم «فرماندار در شورا» (ترجمه مناسب‌تر آن، تصمیمات شورایی قوه مجریه است) انجام می‌گیرد. در قانون اضطرابهای کانادا به جای نهاد فوق‌العاده همواره از واژه «فرماندار در شورا» استفاده شده است.  
وقتی فرمانداران در شورا در مناطق کانادا، این شرایط اضطرابی را تشخیص بدهند، طبق یک اعلامیه موارد زیر را بر اساس ماده (۱۷) قانون اقدامات اضطرابی اعلام می‌کنند:

- ۱- وضعیت اجمالی اتفاقاتی که اضطراب را ایجاد کرده است.
  - ۲- اقدامات خاص موقتی که فرماندار برای مواجهه با اضطراب پیش‌بینی کرده است.
  - ۳- مناطق اضطراب در صورتی که همه مناطق کانادا شامل این وضعیت نیست.»
- پس از این اعلام، مجلس آن را طبق مقررات این قانون، بررسی و تأیید می‌کند. همچنین پارلمان، این صلاحیت را دارد که در طول دوره اضطراب بر فرماندار در شورا نظارت کند. مدت دوره این نوع از اضطراب، (۳۰) روز است؛ مگر اینکه قبلاً مجلس آن را طبق ماده (۲۱) و (۲۲) رد کرده باشد یا اینکه طبق مقررات ماده (۲۳)، آن را تمدید

کند و در مورد تعداد دفعات آن، محدودیتی وجود ندارد. مواد (۱۹) و (۲۰) این قانون، اقدامات خاص و احصاشده‌ای را در صلاحیت فرماندار قرار داده است. دیگر وضعیت‌های اضطراری در این قانون، تابع مقررات خود است و دیگر مواد این قانون، آنها را تشریح کرده است که ساختار مشابه با اضطرار نظم عمومی دارد. (۲۰) ضمناً قوانین عمومی شامل مسئولیت دولت و جبران خسارت ناشی از اعمال نهاد فوق‌العاده، فرجام‌خواهی آن و نظارت پارلمانی در شرایط اضطراری برای هر چهار نوع وضعیت در همین قانون به صورت مشترک در فصول بعدی مفصلاً پیش‌بینی شده است. یکی از ویژگی‌های مهم این قانون، تشریفات نظارت پارلمان بر دولت، اعتباربخشی به منشورهای کانادایی حقوق و آزادی‌ها، منشور حقوق کانادایی و میثاق حقوق مدنی سیاسی و نهایتاً اضافه شدن مسئولیت مدنی دولت در شرایط اضطراری بود.

آن زمان در سال ۱۹۸۵ قانون دیگری درباره شرایط اضطراری به نام قانون آمادگی اضطرار توسط پارلمان فدرال تصویب شده است که بیشتر به مباحث مدیریتی وضعیت اضطراری می‌پردازد. در این قانون، نقش‌ها و مسئولیت‌های وزرای دولت فدرال در آمادگی و برنامه‌ریزی برای مقابله با وضعیت اضطراری ذکر شده است. این قانون، نقش وزیر دفاع ملی را هدایت‌کننده در مدیریت اضطرار و هماهنگ‌کننده و تسهیل‌کننده میان دولت و نهادهای فدرال و استانی در شرایط اضطراری را تعیین می‌کند. (Henstra, ۲۰۰۳: ۱۰۸).

اما نکته قابل توجه این است که با وجود بحران‌های متعدد پس از تصویب قانون اضطرارها، اما هیچ‌گاه در بحران‌های مختلف به قانون اضطرارها در سطح ملی و فدرال استناد نشده است. در مقابل به دلیل حوادث غیرمترقبه سالانه فراوان در کانادا، بارها وضعیت اضطراری در سطح استان‌ها اعلام شده است. اما به دلیل اینکه همواره دولت و جامعه برای مقابله با بلایای طبیعی آماده هستند، به ندرت وضعیت اضطراری اعلام می‌شود. عموم تصویب قوانین استانی وضعیت اضطراری به دهه پنجاه قرن گذشته بازمی‌گردد. (Lindsay, 2014, 159-160)

### ۳- دوره پس از یازده سپتامبر

اگرچه پس از حوادث ۱۱ سپتامبر در نیویورک، مبارزه با تروریسم به یک امر بین‌المللی تبدیل شد و ترکش‌های آن به نظام حقوقی داخلی بسیاری کشورها خصوصاً کشورهای همسایه آمریکا برخورد کرد و کانادا هم درگیر با تروریسم شد، اما هیچ‌گاه در آن برهه زمانی در کانادا رسماً وضعیت اضطراری مطابق قانون اضطرارها اعلام نشد. بلکه صرفاً برخی تغییرات در نظام حقوقی کانادا و قوانین آن ایجاد شد. به عنوان مثال، اولین قانون ضدتروریسم موسوم به «قانون کانادایی ضد تروریسم (ATA)» (۲۱) در سال ۲۰۰۱ همانند ایالات متحده به تصویب پارلمان کانادا رسید. چون مقررات قانونی موجود در نظام حقوقی، دست دولت را برای مبارزه جدی با تروریسم باز نمی‌گذاشت. مثلاً در قوانین جزایی، مفاهیم مربوط به تروریسم در نظام حقوقی از جمله جرایم مالی آنها در قوانین کانادا موجود نبود.

به هر حال، محل تأمل جدی است که چرا برای مقابله با تروریسم، از ظرفیت‌های موجود در قانون اضطرارها استفاده نشده است. به عبارتی دیگر شیوه مقابله با تروریسم از پس از سال ۲۰۰۱ به هیچ‌کدام از شیوه‌های بومی و پیش‌بینی شده کانادا که در مبحث پیشین گفته شد، شباهت نداشت و طبق ساز و کار آمریکایی یعنی تصویب قوانین مدت‌دار عمل شد.

با تصویب قانون آتا تحت عنوان (-Bill C ۳۶) در اکتبر سال ۲۰۰۱ قوانین متعددی از جمله قانون جزا، قانون اطلاعات سری رسمی، قانون شواهد کانادا و قوانین متعدد دیگر یک‌جا اصلاح شد. (Department of Justice, 2017). (۲۲) این قانون موجب اقدامات قاهرانه سختی توسط دولت شده بود و آن را با قانون اقدامات جنگی مصوب ۱۹۱۴ مقایسه می‌کردند. بنا بر این قانون قرار بود که تا سال ۲۰۰۶، این مقررات منقضی شود و اصلاحات ایجاد شده در قوانین موجود در قانون ATA سال ۲۰۰۱، به حالت عادی بازگردد. به دلیل تأخیر در ارائه گزارش کمیته‌های پیش‌بینی‌شده ناظر بر دولت در مجلس عوام و سنا، طرح تمدید این قانون با یک سال تأخیر در سال ۲۰۰۷ توسط دولت هارپر (۲۳) کلید خورد. اما با مخالفت برخی احزاب کانادا با اختلاف نزدیکی تمدید این قانون رأی نیاورد و بنابراین مارس ۲۰۰۷، زمان انقضای قانون آتا بود. (Department of Justice, 2017).

یکی از اقدامات مهم در مدیریت شرایط پس از ۱۱ سپتامبر، تشکیل دپارتمان سلامت عمومی و آمادگی اضطراری جهت هماهنگی امنیت و سیاست اضطرار در سال ۲۰۰۳ بود که همان زمان، وزیری با همین نام در دولت فدرال کانادا تشکیل شد. (Scheppelle, 2006)

تلاش‌های متعدد دیگری از سوی دولت کانادا برای برخی تغییرات دیگر خصوصاً استراق سمع مکالمات شهروندان تحت عناوین (Bill C-19) و (Bill C-17) در سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ به پارلمان عرضه شد که مورد قبول واقع نشد. سال ۲۰۱۲، دولت هارپر مجدداً تمدید مقررات منقضی را درخواست می‌کند و بررسی این لایحه، مدت‌ها به طول می‌انجامد. نهایتاً در سال ۲۰۱۳ و به دنبال بمب‌گذاری ماراتون بوستون به سرعت، قانون مبارزه با تروریسم تحت عنوان (Bill S-7) که تغییراتی در قانون جزا، قانون شواهد کانادا و قانون امنیت اطلاعات کانادا داشت، تصویب می‌شود. «قانون تروریسم هسته‌ای» تحت عنوان (Bill S-9)، قانونی دیگری است که در همان سال، توسط پارلمان تصویب می‌شود. (Department of Justice, 2017)

سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴، دوران اوج عملیات تروریستی داعش در کانادا است که مهم‌ترین رویداد آن، تیراندازی به سمت پارلمان هیل در تورنتو است. با گسترش تهدیدات تروریستی، سال ۲۰۱۵ قانون ضدتروریسم (۲۴) دیگری (ATA) تحت عنوان (Bill C-51) تصویب می‌شود. بخش اول این قانون شامل «قانون امنیت انتشار اطلاعات کانادا» است که این بخش در سال ۲۰۱۷ توسط دولت ترودو، (۲۵) مورد اصلاح قرار گرفته است، بخش دوم مربوط به «قانون سفر هوایی ایمن»، بخش سوم مربوط به «قانون مجازات»، بخش چهارم مربوط به «قانون سرویس اطلاعاتی امنیتی کانادایی» و بخش پنجم مربوط به «قانون حمایت از پناهندگان و مهاجران» است. قانون مهم دیگری به نام «قانون امنیت اشتراک اطلاعات کانادا» با هدف تشویق و تسهیل اشتراک اطلاعات بین دولت و مؤسسات بسته می‌شود تا علیه فعالیت‌های خلاف امنیت کانادا حمایت شود.

قوانین دیگری هم از جمله قانون حمایت کانادا در مقابل تروریست‌ها، دستور پاسپورت کانادایی، قانون ممنوعیت سفر تروریستی، قانون دپارتمان سلامت عمومی و آمادگی اضطراری، قانون خیابان‌ها و اجتماعات امن و قانون دادخواهی برای قربانیان

تروریسم در سال‌های اخیر تصویب و مورد اصلاح قرار گرفته است که مرتبط با مباحث امنیت ملی کانادا و تروریسم است. (Public Safety Canada, 2017). (۲۶) همچنین قانون مالی عایدات جرم و تروریست‌ها را نیز می‌توان به این دسته قوانین اضافه کرد. ظاهراً دولت کانادا در ژوئن ۲۰۱۷ لایحه‌ای را تحت عنوان قانون امنیت ملی تقدیم کرده است که به واسطه آن امنیت ملی کانادا بالا می‌رود و حقوق و آزادی‌های کانادایی‌ها تضمین می‌شود. (۲۷) بنابراین پس از حوادث مربوط به طالبان و داعش یک رژیم خاصی، نظام حقوقی کانادا را تحت تأثیر قرار داده است که در قالب قوانین ضدتروریسم (ATA) قوانینی را اضافه می‌کنند یا قوانین موجود را مورد اصلاح قرار می‌دهند تا به وسیله آن و هدف مبارزه با جرایم تروریستی اختیارات دولت و مقام اضطرار توسعه پیدا کند و به عبارتی به طریق قانونی، قانون را دور می‌زنند.

قابل توجه است که قانون‌گذاری ضدتروریسم (۲۸) همواره و از سال ۲۰۰۱ به بعد که باید مبدع آن را ایالات متحده دانست، مورد انتقاد قرار گرفته است و آن را با حکومت‌های توتالیتر مقایسه می‌کنند که دموکراسی را به مخاطره می‌اندازد.

در سال ۲۰۰۷، «قانون مدیریت اضطرار» تصویب می‌شود که به مباحث مدیریتی دوره اضطرار اشاره دارد و امروز در نظام حقوقی کانادا معتبر است. این قانون جایگزین قانون آمادگی اضطرار مصوب سال ۱۹۸۵ می‌شود که در مبحث قبل در مورد آن توضیحاتی داده شد. این قانون مسئولیت اصلی را بر عهده وزیر مربوط در دولت فدرال یا استانی می‌گذارد. این وزیر موظف است که نهادهای دولتی ملی یا محلی و حتی نیروهای مردمی داوطلب را مدیریت و هدایت کند. یکی از این نهادهای دولتی، شهرداری‌ها هستند که عملاً در اجرای مقررات مربوط به وضعیت اضطراری پررنگ هستند. شهرداری‌ها بازیگران کلیدی نظام مدیریت وضعیت اضطراری در کانادا هستند. (Henstra, 2011) طبق قانون مذکور، نهادهای دولتی موظف هستند که برنامه مدیریت اضطراری تهیه کنند تا وزیر، تدابیر لازم را بیندیشد و در صورت لازم نهادهای پلیس و نظامی را فراهم آورد. لازم به ذکر است که هر استانی می‌تواند توسط پارلمان خود، برنامه اضطراری شهرداری (۲۹) داشته باشد که در آن با ذکر طرح کلی و پروتکل‌هایی مسئولیت هر یک از سازمان‌های دولتی و افراد، وضعیت اضطراری را اعلام کند. (Findlaw Website) (۳۰)

عملاً این نظریه پس از یازده سپتامبر به وجود آمده است که برای مقابله با تروریسم و بحران‌های مربوط به نظم عمومی حتماً لازم نیست که وضعیت اضطراری اعلام شود. یعنی به واسطه قوانین موجود، برخی مقامات رسمی دارای آن چنان اختیارات وسیعی می‌شوند که با همان‌ها می‌توانند بر اضطرار فائق آیند. (Association of State and Territorial Health Officials, 2012, ) در طول دهه‌های گذشته، عموماً وضعیت‌های اضطراری اعلام‌شده در کانادا در پاسخ به بحران‌های طبیعی بوده است. مثلاً در سال ۲۰۱۳، تورنتو به دلیل شیوع بیماری سارس، وضعیت اضطراری اعلام کرد (Findlaw Website) یا استان کلمبیای بریتانیایی در کانادا به واسطه فروکش کردن آتش‌سوزی در سال ۲۰۱۷، یک وضعیت اضطراری استانی اعلام کرد. (Indepndnt, 2017). (۳۲)

### نتیجه‌گیری

فارغ از تاریخچه کانادا در مقابله با وضعیت اضطراری، پیش از وقایع سپتامبر ۲۰۰۱ کانادا دو ساز و کار برای مقابله با اضطرارها را به صورت قانونی در اختیار داشت: اول، امکان تعلیق بخشی از حقوق و آزادی‌ها تا (۵) سال با شرایطی که در ماده (۹۱) منشور کانادایی حقوق و آزادی‌ها آمده است که به ندرت از آن استفاده شد. دوم، قانون مفصل اضطرارها مصوب ۱۹۸۵ که با یک طراحی هوشمندانه با جزئیات بین (۴) نوع وضعیت اضطراری تفکیک قائل شده بود که شامل تشریفات اعلام وضعیت اضطراری، دوره موقت (۳۰) روزه تا سه ماهه و دیگر تشریفات بود که عموماً در رژیم‌های اضطراری مرسوم در دنیا وجود دارد. جالب اینجاست که این قانون در سابقه حدود ۳۲ ساله خود تا به حال مورد استناد و استفاده قرار نگرفته است و عموم وضعیت‌های اضطراری توسط دولت‌های استانی اعلام شده است. در حالی که واقعیت امر نشان می‌دهد که بحران‌های تروریسم در ۲۰ ساله گذشته، در مقاطعی ظرفیت اعلام وضعیت اضطراری را داشته است.

حوادث سپتامبر ۲۰۰۱ در آمریکا که امواج آن به بیرون از مرزهای ایالات متحده رسید، نظام حقوقی بسیاری کشورها در همسایه‌ها و حتی قاره‌های اروپا و آسیا دست‌خوش تغییر داد. از این دوره یک سبک قانون‌گذاری به نام «قانون‌گذاری ضد



تروریسم» در دنیا مرسوم شد که البته گفته می‌شود این سبک، از گذشته هم وجود داشته است و ریشه فرانسوی داشته است. به این ترتیب که با لایحه دولت و تصویب پارلمان برخی قوانین یا موادی از قوانین غالباً به صورت موقت تعلیق می‌شوند یا برخی قوانین دیگر لازم‌الاجرا می‌شوند که تمام آن در راستای توتالیتیر شدن دولت و محدود شدن حقوق و آزادی‌ها است. هر چند این سبک همواره مورد اعتراض قرار می‌گیرد، اما دولت‌های مدرن دست به این کار می‌زنند.

در میان سه روش مذکور تجربه تاریخی کانادا نشان داده است که دولت در دوره‌های گذشته گرایش به اعلام وضعیت جنگی بود که مستبدانه‌تر از وضعیت اضطراری بود. اما در دوران معاصر دولت رغبت کمتری داشته است که وضعیت اضطراری اعلام کند و سعی کرده است با تصویب قوانین موقت محدودکننده (۵ ساله) موسوم به (ATA) از طریق لایحه دولتی و پارلمان محدودیت‌ها را اعمال کند.

اولاً وجود ساز و کارهایی برای تحدید حقوق ملت در وضعیت‌های غیرعادی و اضطراری و ثانیاً این تنوع در برخورد با وضعیت اضطراری در نظام حقوقی کانادا به عنوان یکی از دولت‌های مدرن که مواجهه زیادی با اضطرار دارد، قابل تأمل است. روح اصلی همه آنها افزایش قدرت دولت و باز کردن دست و پای دولت از بند قوانین محدودکننده در وضعیت عادی است که نتیجه قهری آن محدود شدن بالفعل حقوق و آزادی‌های شهروندان است.

آنچه که می‌توان به عنوان دستاورد این تحقیق مورد استفاده نظام حقوقی ایران قرار گیرد، اولاً این است که نظام‌های سیاسی دیگر کشورها برای مقابله با وضعیت اضطراری ساز و کار پیش‌بینی کرده‌اند و همه این ساز و کارها در راستای تحدید حقوق ملت و توسعه اختیارات قاهرانه دولت در راستای تأمین امنیت است. هرچند که همواره نهادهای حقوق بشری در مقابل این دسته اقدامات دست به اعتراض می‌زنند، اما خللی در مشروعیت آن مبتنی بر مبانی دولت مدرن وارد نمی‌کند. بنابراین اولاً نهادهای مدنی و حقوق بشری باید آشنا با این ساز و کار و مشروعیت آن باشند و ثانیاً دولت‌ها باید تعیین سازوکارهای مقابله با وضعیت اضطراری را در عرصه اساسی، قوانین عادی و پایین‌دستی و همچنین اعلام و اعمال آن را به عنوان تکلیف خود بدانند.

مطالعه تطبیقی سازوکارهای اعلام وضعیت اضطراری در دیگر کشورها و خصوصاً کانادا ضوابط و محدودیت‌های اعلام وضعیت اضطراری را احصا می‌کند. ثانیاً با یک رویکرد جامعه‌شناختی به دلایل بحران‌های متعدد شکل گرفته پس از انقلاب اسلامی، نظام قانونگذاری ما همواره به سمتی حرکت کرده است که به مانند دوره‌های پس از ۱۱ سپتامبر در کانادا، ظرفیت اختیارات فوق‌العاده به مقامات را از طریق قانونگذاری وضعیت عادی و بیش از همه از طریق تصمیمات شورای عالی امنیت ملی ایجاد کند. به همین دلیل هم هیچ‌گاه در طول سال‌های پس از انقلاب، دولت به دنبال عملیاتی کردن اصل (۷۹) قانون اساسی نبوده است و در مقاطع بحرانی مختلف مانند فتنه سال ۱۳۸۸ از ظرفیت اصل (۱۷۶) و نهاد شورای عالی امنیت ملی و نهادهای زیر مجموعه آن استفاده کرده و وضعیت‌های اضطراری را مدیریت کرده است. اینکه آیا رویه موجود مناسب است و یا اینکه باید اصل (۷۹) را احیا کرد، مسئله‌ای است که می‌تواند زمینه تحقیق آتی را فراهم کند.

## یادداشت‌ها

- (۱) British North America Act: این قانون امروز به عنوان قانون اساسی سال ۱۸۶۷ شناخته می‌شود.
- (۲) Peace, Order, and Good Government معروف به POGG که به عنوان صلاحیت قانونگذاری پارلمان‌های تحت تابعه بریتانیا معروف شد.
- (۳) ( ۱۸۸۰ Russell v. The Queen ( ۷), ۸۲۹ App. Case. (P.C): یک پرونده تاریخی در کانادا است. پارلمان کانادا در سال ۱۸۷۸ قانون منع فروش نوشابه‌های الکلی (Canadian Temperance Act) را تصویب می‌کند. سه سال بعد راسل به عنوان صاحب یک می‌خانه در یک ایالت به دلیل نقض قانون ممنوعیت فروش مشروبات الکلی محکوم می‌شود. راسل به عدم صلاحیت پارلمان فدرال در تصویب این قانون تمسک می‌جوید. این دعوا مبنی بر آن است که آیا مطابق ماده (۹۲) BNA آیا پارلمان می‌تواند فروش خرد الکل را ممنوع اعلام کند.

Russell v. the Queen [New Brunswick] (1882), UKPX۳۳, in caseBrief, available in: <http://casebrief.me/casebriefs/Russell-v-the-Queen>)

#### (4) Queen's Privy Council

(۵) Order in Council: دستوراتی موقتی است که از لحاظ شکلی و فرمالیته به نام فرماندار کل (Governor General) توسط شورای خصوصی سلطنت (Queen's Privy Council for Canada) در سطح ملی و به صورت مشابه در سطح استانی و منطقه‌ای صادر می‌شود.

(۶) Constitutional Act: مجموعه قوانین قانون اساسی کانادا شامل صرفاً یک متن واحد نیست. قانون اساسی کانادا مصوب سال ۱۸۶۷ (که پیش‌تر قانون آمریکای شمالی بریتانیا موسوم به BNA نامیده می‌شد) و ضمیمه فهرست های شش‌گانه که عموماً مربوط به حوزه‌های جغرافیایی و انتخاباتی است و همچنین قانون اساسی مصوب سال ۱۹۸۲ مشهور کانادایی حقوق و آزادی‌ها، مجموعه قوانین اساسی کانادا را تشکیل می‌دهند. قانون سال ۱۸۶۷ که اولین قانون استقلال این کشور از بریتانیا است، در مورد نحوه دخالت ملکه بریتانیا در ساختار اساسی کانادا و فرماندار کل به عنوان جانشین ملکه و دیگر ساختارهای اساسی کانادا است. اما در قانون اساسی مصوب سال ۱۹۸۲ که توسط ملکه الیزابت دوم و نخست وزیر پیر الیوت ترودو، به تصویب رسید، شامل حقوق و آزادی‌های مردم و پروسه بازنگری قانون اساسی است. (قانون اساسی کانادا (۱۳۹۱)، زیر نظر عبدالمجید عقیقی و ترجمه مهدی رستگار اصل، تهران: معاونت حقوقی ریاست جمهوری، ویراست دوم، ص ۲۳)

#### (7) The Canadian charter of Rights and freedoms (۱۹۸۲)

(۸) معادل «notwithstanding clause» به زبان انگلیسی و «la clause dérogatoire» به زبان فرانسه است. همچنین به آن، «override clause» یا «non-obstante Clause» نیز گفته می‌شود.

(۹) تقسیم‌بندی کشور کانادا بر اساس استان‌ها (province) و مناطق (territory) است که البته برخلاف معنایی که ما از «استان» در کشور خودمان داریم، کانادا یک کشور فدرال است.

(۱۰) بندهای (۳) و (۴) ماده (۳۳) منشور کانادایی حقوق و آزادی‌ها

(۱۱) معادل انگلیسی آن «Emergencies Act» و معادل فرانسوی آن «Loi sur les mesures d'urgence» می‌باشد.

(۱۲) لازم به ذکر است بر اساس قواعد فدرالیسم کانادا، این قانون در مورد بحران‌های ملی اعمال می‌شود. بنابراین هر استانی می‌تواند بنا بر صلاحیت خود، بر اساس مصوبات پارلمان خود، قانون محلی جداگانه در مورد شرایط اضطراری داشته باشد که اصولاً توسط فرماندار در شورا یا یکی از وزرای آن استان‌ها اعمال می‌گردد. چنان که بسیاری از وضعیت‌های اضطراری در کانادا بدون اعلام دولت فدرال بوده است.

(13) Public Welfare Emergency

(14) Public Order Emergency

(15) International Emergency

(16) War Emergency

(17) Governor in Council

(۱۸) تعیین مقام فوق‌العاده و به عبارتی دقیق‌تر، تمرکز قدرت در یک مقام به عنوان یکی از آثار و تشریفات حقوقی حاکم بر شرایط اضطراری در کشورهای مدرن است. شرایط اضطراری منجر به گسترش اختیارات دولت ملی و تمرکز بسیاری از اختیارات در دستان قوه مجریه می‌شود. «دولت بحران» ابتدائاً و غالباً در مقام اجرا، متوجه بالاترین مقام اجرایی یا رییس کشور می‌شود. شناسایی وضعیت اضطراری همه بدین جهت است که بتوانیم طبق ساز و کاری، قدرت‌های فوق‌العاده‌ای را بدون در نظر گرفتن اصل تفکیک و توازن قوا به یک ارگان یا نهاد اعطا کنیم تا بتواند بر بحران و خطرات ناشی از آن فائق آید. در واقع در وضعیت اضطراری، قدرت در دست بالاترین فرد یا مقام اجرایی کشور متمرکز می‌شود و به وسیله آن می‌تواند به وضع مقررات وسیع پردازد و یا قدرت زیاد دستگیری، تعقیب و بازداشت را

برای نیروهای اجرایی، نظامی و انتظامی به رسمیت بشناسد. در وضعیت‌های بحرانی‌تر، ممکن است قوه مجریه مکمل دادگاه‌های دادگستری شده و به تشکیل دادگاه‌های نظامی پردازد. (دارینی، ۱۳۸۰، ص ۲۰۰) بنا بر تقسیم منطقی اعمال حکومتی و تفکیک قوا، عموماً این اختیارات فوق‌العاده به دست قوه مجریه سپرده می‌شود. چنانکه عموم کشورها از همین الگو تبعیت می‌کنند. یک جنبه مهم گسترش و تمرکز اختیارات در قوه مجریه این است که قوه مجریه، قدرت درگیر شدن در امور قانونگذاری را دارد. اختیارات قانونگذاری ممکن است از طریق یک مقرر صریح در قانون اساسی یا از طریق وکالت از قوه مقننه در امر قانونگذاری به وسیله تقنین خاص و موقت، وکالت وسیع اختیارات از قوه مقننه، فعال‌سازی یک قانون، یا قانونگذاری دائمی با چاشنی اضطرار باشد. اعتبار فرمان‌های اضطراری قوه مجریه، بستگی به موافقت بعدی نهاد قانونگذاری دارد. در مقابل ممکن است، چنین قانونگذاری از سوی قوه مجریه تا مدتی که توسط قوه مجریه یا مقننه لغو نشده، معتبر باشد. (Gross, 2011:)

(19) “Governor in Council appointments” available in:

<https://www.appointments-nominations.gc.ca/prsnt.asp?page=approt>

(۲۰) احکام موجود در مورد دیگر وضعیت‌های اضطراری، ساختاری مشابه وضعیت اضطراری نظام عمومی است و فقط تفاوت در کیفیت آن ساختار است. مثلاً همه این وضعیت‌ها، مدت موقتی دوره اضطرار را دارند و فقط تفاوت در میزان زمان این دوره است. از توصیف دیگر وضعیت‌ها به دلیل اطاله کلام پرهیز می‌شود.

(21) available in: <http://laws-lois.justice.gc.ca/eng/acts/A-11,7/page-1.html>

(22) Department of Justice, “About the Anti-terrorism Act”, Modified in 2017, available in: <http://www.justice.gc.ca/eng/cj-jp/ns-sn/act-loi.html>

(23) Stephen Harper

(24) Ant-Terrorism Act (ATA) (Bill C-51) (2015), available in: [http://laws-lois.justice.gc.ca/eng/AnnualStatutes/2015\\_20/page-1.html#h-31](http://laws-lois.justice.gc.ca/eng/AnnualStatutes/2015_20/page-1.html#h-31)

(25) Justin Trudeau

(26) Public Safety Canada, “Policies, acts and regulations – National Security”, available in: <https://www.publicsafety.gc.ca/cnt/ntnl-scrtp/lcs-en.aspx> (Date modified 2017)

(27) جهت اطلاعات بیشتر به آدرس زیر مراجعه کنید:

<https://www.canada.ca/en/services/defence/nationalsecurity/our-security-our-rights.html>

(28) Anti-terrorism legislation

(29) Municipal Emergency Plan

(30) “What is a state of emergency?”, available in: <http://constitutional.findlaw.ca/article/what-is-a-state-of-emergency>

(31) Emergency Declarations and Authorities–Fact Sheet (2012), Association of State and Territorial Health Officials, available in :

[http://www.astho.org/uploadedFiles/Programs/Preparedness/Public\\_Health\\_Emergency\\_Law/Emergency\\_Authority\\_and\\_Immunity\\_Toolkit/04-EmergDecAuthorities2017/FS2017/Final12-2017.pdf](http://www.astho.org/uploadedFiles/Programs/Preparedness/Public_Health_Emergency_Law/Emergency_Authority_and_Immunity_Toolkit/04-EmergDecAuthorities2017/FS2017/Final12-2017.pdf)

(32) Independent, “Canada declares state of emergency in British Columbia as ‘extraordinary’ wildfires spread over province”, 2017 available in:

<http://www.independent.co.uk/news/world/americas/canada-wildfires-british-columbia-state-of-emergency-homes-evacuated-a7832191.html>

## کتابنامه

### آ. منابع فارسی

- ۱- قانون اساسی کانادا، (۱۳۹۱)، زیر نظر عبدالمجید عقیقی و ترجمه مهدی رستگار اصل، تهران: معاونت حقوقی ریاست جمهوری، ویراست دوم.

- ۲- گیل، پیتر (۱۳۸۰)، سیاست‌های پلیسی، با ترجمه معاونت پژوهشی دانشکده امام باقر (ع)، تهران: دانشکده امام باقر (ع).
- ۳- دارینی، علی (تابستان ۱۳۸۰). «اختیارات فوق‌العاده عالی‌ترین مقامات اجرایی»، مجله راهبرد، ش ۲۰، صص ۲۰۰-۲۱۴.

ب. منابع لاتین

- ۴- Gross, Oren and Fionnuala Ni Aolain (2006), *Law in Times of Crisis; Emergency Powers in Theory and Practice*, New York: Cambridge University Press.
- ۵- Gross, Oren (2011), “Constitutions and Emergency Regimes” in *Comparative Constitutional law* ed. Tom Ginsburg & Rosalind Dixon, Cheltenham: Edward Elgar Publishing Limited, pp.334-355.
- ۶- Henstra, Daniel (March 2003), “Federal emergency management in Canada and the United States after 11September 2001”, in *Canadian Public Administration*, Vol. 46, Issue ۱, pp. 103-116
- ۷- Henstra, Daniel (2011),”Municipal Emergency Management”, available in: <http://www.crhnet.ca/canadian-disaster-management-textbook-chapter-۴>
- ۸- Lindsay, John (2014), “The Power to React: Review and Discussion of Canada’s Emergency Measures Legislation”, *The International Journal of Human Rights*, Vol. ۱۸, Issue. ۲: ۱۷۷-۱۵۹
- ۹- Marx, Herbert (1970), “the Emergency Power and Civil Liberties in Canada”, *McGill Law Journal*, Vol.16
- ۱۰- Niemczack, Peter and Philip Rosen (2001), “Emergencies Act”, available in: <http://publications.gc.ca/Collection-R/LoPBdP/BP/prb۰۱۱۴-e.htm>
- ۱۱- Scheppele, Kim L. (2006), “North American emergencies: The use of emergency powers in Canada and the United States”, *International Journal of Constitutional Law*, Volume ۴, Issue ۲, ۱ April ۲۰۰۶, Pages ۲۱۳-۲۴۳

پ. سایت‌های اینترنتی

- ۱۲ <https://appointments-nominations.gc.ca>
- ۱۳ <http://www.astho.org>
- ۱۴ <https://canada.ca>
- ۱۵ <http://casebrief.me>
- ۱۶ <http://constitutional.findlaw.ca>
- ۱۷ <http://independent.co.uk>
- ۱۸ <http://justice.gc.ca>
- ۱۹ <http://laws-lois.justice.gc.ca>
- ۲۰ <http://publications.gc.ca>
- ۲۱ <https://publicsafety.gc.ca>

ت. قوانین

- ۲۲ Constitution Act (as British North America Act (BNA Act) (1867) and The Canadian charter of Rights and freedoms (1982)
- ۲۳ Anti-Terrorism Act (ATA) (Bill C-36) (2001)
- ۲۴ Anti-Terrorism Act (ATA) (Bill C-51)(2015)
- ۲۵ Canadian Passport Order (Last amended 2015)
- ۲۶ Canadian Security Intelligence Service Act (1985; last amended 2017)
- ۲۷ Combatting Terrorism Act (2001)
- ۲۸ Constitution of Transitional measures Act (1947)
- ۲۹ Criminal code (1985; last amended 2017)
- ۳۰ Department of Public Safety and Emergency Preparedness Act (2005; last amended 2013)
- ۳۱ Emergencies Act (1985)
- ۳۲ Emergency management act (2007)
- ۳۳ Emergency Powers Act
- ۳۴ Emergency Preparedness Act(1985)
- ۳۵ Housing and Rent Act (1947)



- ۳۶ Immigration and Refugee Protection Act (2001; last amended 2017)
- ۳۷ Justice for Victims of Terrorism Act (2012)
- ۳۸ National Emergency Transitional Powers Act (1945)
- ۳۹ Nuclear Terrorism Act (2013)
- ۴۰ Prevention of Terrorist Travel Act (2015)
- ۴۱ Proceeds of crime (Money Laundering) and terrorists Financing Act (2000; last modified 2013)
- ۴۲ Protection of Canada from Terrorists Act (2015)
- ۴۳ Public Order (temporary measures) Act (1970)
- ۴۴ Royal Canadian Mounted Police Act (1985)
- ۴۵ Safe Streets and Communities Act (2012)
- ۴۶ Secure Air Travel Act (2015)
- ۴۷ Security of Canada Information Sharing Act (2015)
- ۴۸ War Measures Act (WMA) (1914)